
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

نقد هنری و ادبی

« هنر »

(تصویر متحرک(انیمیشین) ارتباط تصویری تصویرسازی نقاشی پژوهش هنر هنر اسلامی)

مولف: خاطره کامیار

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مولف

کتاب حاضر در برگیرنده خلاصه‌ای از نکات شاخص درس نقد هنری و ادبی مختص آزمون کارشناسی ارشد گروه هنر (کد رشتهٔ ۱۳۵۸) بوده که می تواند مورد استفاده داوطلبان و دانشجویان گروه هنر و دوستداران این واحد درسی قرار بگیرد. گفتنی است کلیه مطالب موجود با رعایت امانت از منابع ذکر شده استخراج و سپس، به صورت خلاصه در اختیار شما قرار گرفته است. متأسفانه با وجود فقدان آموزش این واحد مهم درسی در مقطع کارشناسی گروه هنر (نقاشی، مجسمه‌سازی و گرافیک و رشته‌های مرتبط) تعداد کثیری از دانشجویان فاقد اطلاعات لازم در این حوزه بوده و لذا در خصوص پاسخ به سؤالات مربوط به این بخش در آزمون، دچار مشکل می‌شوند. در این مجموعه سعی شده است، با توجه به تنوع بسیار و ناهمگون منابع و مشکلات ناشی از سردرگمی داوطلبان گروه هنر، خلاصه‌ای از مهمترین مطالب به صورت **ساده** بیان شود تا خوانندگان و بویژه داوطلبان با مطالعه آنها بتوانند سوالات احتمالی و مشابه را تفسیر کرده و جواب درست را انتخاب کنند. گفتنی است که در این مجموعه تنها به مباحث مربوط به نقد هنری و ادبی پرداخته و از آوردن مباحث مربوط به تاریخ هنر خودداری شده است، اگرچه متأسفانه در بسیاری موارد شاهد آن هستیم که بدون توجه به آزمون نقد ادبی و هنری، سؤالهای تفکیک نشده از شاخه‌های مختلف هنری، فرهنگی، ادبی و.... در آزمون‌ها طرح شده است. لذا به داوطلبان توصیه می‌شود، برای بالا بردن سطح آگاهی خود از کتاب شرح بانک آزمون نقد هنری و ادبی (تألیف تکتم ظهوریان) که توسط همین انتشارات به چاپ رسیده است استفاده نموده و با بهره‌گیری از منابع ذکر شده در آن علاوه بر ارتقاء سطح کیفی در زمان خود نیز صرفه‌جویی نمایند.

کامیار

فهرست مطالب

عنوان **صفحه**

فصل اول: روزگار باستان

مختصری درباره زیبایی‌شناسی ۱۱
روزگار باستان ۱۱
افلاطون ۱۱
ارسطو ۱۳
فلوطین ۱۴
خلاصه فصل ۱۶
📖 نکات کلیدی ۱۷
تست‌های آخر فصل ۱۸

فصل دوم: مبحث زیبایی‌شناسی در دوران پس از باستان

قرون میانه ۲۳
رنسانس ۲۴
خلاصه فصل ۲۵
📖 نکات کلیدی ۲۵
تست‌های آخر فصل ۲۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۷

فصل سوم: گرایش‌های فلسفی بعد از دوران رنسانس

کلاسیسم فرانسوی ۳۱
مکتب تجربه‌گرایی قرن هجدهم ۳۱
کلاسیسیم انگلیسی «مکتب ذوق» ۳۲
عصر روشنگری در قرن هجدهم ۳۲
خلاصه فصل ۳۳
تست‌های آخر فصل ۳۴
پاسخ ۳۵

فصل چهارم: فلسفه زیبایی‌شناسی از دیدگاه چند نظریه‌پرداز آلمان

کانت ۳۹
۱- داوری ذوقی از نظر کیفیت ۴۰
۲- بررسی داوری ذوقی از نظر کمیت ۴۰
۳- بررسی داوری ذوقی بر اساس نسبت ۴۰

عنوان **صفحه**

۴- بررسی داوری ذوقی بر اساس جهت ۴۰
۱- هنرنمادین ۴۲
۲- هنر کلاسیک ۴۲
۳- هنر رمانتیک ۴۲
شوپنهاور ۴۳
نیچه (۱۹۰۰- ۱۸۴۴) ۴۳
خلاصه فصل ۴۶
📖 نکات کلیدی ۴۷
تست‌های آخر فصل ۴۸
پاسخ تست‌های آخر فصل ۴۹

فصل پنجم: هنر با رویکرد جامعه‌شناسی

نظریه‌پردازان مهم در عرصهٔ جامعه‌شناسی ۵۳
خلاصه فصل ۵۵
📖 نکات کلیدی ۵۶
تست‌های آخر فصل ۵۷
پاسخ تست‌های آخر فصل ۵۸

فصل ششم: نظریه‌های هنر با رویکرد روانشناسی و نشانه‌شناسی

نظریه‌های مهم روانشناسی و هنر ۶۱
نشانه‌شناسی ۶۳
خلاصه فصل ۶۴
📖 نکات کلیدی ۶۵
تست‌های آخر فصل ۶۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۶۷

فصل هفتم: هرمنوتیک سنتی و جدید

نظریه‌پردازان مهم در مباحث هرمنوتیک ۷۱
خلاصه فصل ۷۴
نکات کلیدی ۷۵
تست‌های آخر فصل ۷۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۷۷

فصل هشتم: فرمالیست و ساختگرایی

ساختارگرایی: (STKUCTURALISM) ۸۲
ساختارشکنی DECONSTRACTION ۸۳
خلاصه فصل ۸۵
📖 نکات کلیدی ۸۶
تست‌های آخر فصل ۸۷

عنوان **صفحه**

پاسخ تست‌های آخر فصل ۸۸

فصل نهم: زیبایی‌شناسی با رویکردی شهودی

نظریه‌پردازان مهم در زیایی‌شناسی هنر با رویکرد شهودی ۹۰
خلاصه فصل ۹۲
📖 نکات کلیدی ۹۳
تست‌های آخر فصل ۹۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۹۵

فصل دهم: مهمترین تعاریف موجود در حوزهٔ نقد

معرفی انواع نقد ۱۰۰
۱- نقد جامعه‌شناسانه ۱۰۱
۲- نقد روانشناسانه ۱۰۱
۳- نقد اسطوره‌گرا یا افسانه‌گرا ۱۰۱
۴- نقدفرمالیستی ۱۰۱
۵- نقد اکسپرسیونیستی یا متافیزیکی ۱۰۲
۶- نقد متن گرا یا محتواگرا ۱۰۲
۷- نقد دیکانستراکتیوسیتی (ساخت‌شکن) ۱۰۲
۸- نقد فمنیستی ۱۰۳
۹- نقد مارکسیستی ۱۰۴
جورج لوکاچ (۱۹۷۱-۱۸۸۵ مجارستان) ۱۰۴
لوسین گلدمن (۱۹۷۰-۱۹۱۳ رومانی) ۱۰۴
والتر بنیامین (۱۹۴۰-۱۸۹۲ آلمان) ۱۰۵
نقد نو (NEW CRITICISM) ۱۰۵
نقد عملی، آنالیز ۱۰۶
مکتب شیکاگو ۱۰۶
مختصری دربارهٔ پسامدرنیسم ۱۰۶
خلاصه فصل ۱۰۸
نکات کلیدی ۱۰۹
تست‌های آخر فصل ۱۱۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۱۱
منابع و مآخذ ۲۳۳

فصل اول

روزگار باستان

عناوین اصلی

- مختصری درباره زیباشناسی
- روزگار باستان
- افلاطون
- ارسطو
- فلوطین
- خلاصه فصل
- نکات کلیدی
- تستهای آخر فصل

فصل اول

روزگار باستان

مختصری درباره زیبایی‌شناسی

تمامی اشکال اساسی هنر، موضوع دانشی قرار گرفته است که فلسفه هنر یا زیبـایی شناسـی نـام دارد کـه معـادل اصـطلاح (aesthetica) می‌باشد.

نظریه‌هایی که اندیشمندان و صاحب نظران این رشته از روزگار باستان تا عصر ما طرح کـرده انـد شـامل نظریـه هـای افلاطون، ارسطو، فلوطین، اندیشمندان قرون وسطی و رنسانس، کانت، شیلر و... می‌باشند. عبـارت **زیبایی‌شناسی** بـه مفهـوم مدرن و امروزین آن، نخستین بار در سال ۱۷۵۰ در کتاب (Aesthetica) نوشـته **الکـساندر بومگـارتن**- در سـخنرانی او در فرانکفورد- پدیدار شد وی زیبایی شناسی را یک قلمرو شناختاری تفکر حـسی مـی‌دانـست کـه مـستقل از تفکـر منطقـی و خردورزانه عمل می‌کند.

نوشته‌های وی پایه های تفکر سنتی درباره‌ی هنر را واژگون کرد به طوری‌که **وینکمن** نیز که هم دوره‌ی او بود، نیز بـه نقش سلیقه در دریافت زیبایی اشاره نمود. در قرن هجدهم این باور پذیرفته شد که **احساس حسی** نیز دارای اهمیـت بـوده که کمتر از خرد یا منطق نیست. از آن پس زیبایی شناسی از وابستگی دو هزار ساله از سلطه‌ی عقـل فلـسفی (نظـری) آزاد شد و به صورت شاخه‌ای از رشته‌های هنری درآمد.

روزگار باستان

هنر یونان متأثر از دو فیلسوف و نظریه پرداز مهم دوران یعنی افلاطون و ارسطو است. هنر یونان هنری اصـالتاً طبیعـت گـرا معرفی شده است. مفاهیم و اصطلاح‌های زیباشناسی دستاورد فرهنگ کلاسیک یونان باستان بوده و تفسیر آثار هنری مبتنی بر شکل و محتوا است: **افلاطون** و **ارسطو** از نمایندگان زیباشناسـی محتـوایی بـه شـمار رفتـه کـه بـه ترتیـب در زمینـه ی ایده‌آلیستی و ماتریالیستی نظریه هایی را بیان داشته اند که در زیر به مهمترین آنها اشاره خواهد شـد. (محمـود عبادیـان، ۱۳۸۰، ص ۱۰)

افلاطون

افلاطون به پیروی از سقراط پرداخته و شعر بازنمایی کننده را شگفت‌آور و در عین حال ناپسند می‌شمرد. به اعتقاد سـقراط، شعر به دو گونه تقسیم می‌شد یکی شعر بازنمایی کننده و دیگری شعری که چیزی را بازنمایی نمی‌کند.

با این حال افلاطون و ارسطو نقاشی را در اصل و اساس «محاکات» و واقع نمایی می‌دانستند. آنها به آنچه کـه نیازمنـد مهارت بود هنر می‌گفتند. از دیدگاه آنها نقاشی، مجسمه‌سازی، شعر، رقص، موسیقی و درام دارای وجوه مشترک بوده کـه از تقلید برآمده‌اند.

خدای شعر و موسیقی در اساطیر یونان، آپولون و ایزدبانوان تراژدی و کمدی بـه ترتیـب مـل پومنـه (melpomene) و تالیـا (thalia) و ایزدبانوان در اشعار غنایی، یوترپه (Euterpe) و سرودهای جمعی (Tersichore) و نغمه های آسمانی پلی هیم نیا (poly hymnia) به شمار می‌روند. گفتنی است که، آپولون خدای حافظ مسافران و خدای پاکی، شعر، هنـر و.... و یـا دیوزنیـوس خـدای شراب، باروری و شادی- آفرودیت الهه زیبایی، عشق و باروری می‌باشند. (روئین پاکباز، ۱۳۷۹، ص ۹۶۵)

هنرمند یونانی دردوره اسطوره‌ای به گذشته بصیرت داشت به «حال» آگاه بود و به «آینده» بینشی پیامبرگونه داشت.

هنر رم باستان تلفیقی از فلسفه و زیبایی شناسی یونـان باسـتان و مـضامین اخلاقـی رواقیـون و مفهـوم لـذت در نـزد اپیکوریان است. ارزش «لذت گرایانه» هنر اولین بار توسط اپیکوریان مطرح شد و هنر واقعی از دید آنها هنری بود که لذت یا فقدان درد و هراس و تشویش را به دنبال داشته باشد.

افلاطون زیبایی را مخالف هنر تعبیر می‌کرد وی به زیبایی مطلق در تصویرهای هندسی در رنگ های ناب و در آواهـای ناب اشاره داشت. زیبایی از دید او یک تجرید است. در «جمهوری» تصریح می‌کند که اثر هنری فقـط یـک خیـال و تـصویر است تقلیدی از واقعیت آرمانی و بنابراین از دیدگاه وجودشناسی محکوم است. او به خوبی می‌دانست (جزء به کل) و (خـاص به عام) بستگی دارد از همین رو برای زیبایی تغییرپذیر، سرچشمه ای سرمدی قائل می‌شـد: یعنـی ایـده زیبـایی مطلـق، او معتقد بود که محسوسات و هنرها- فقط به تصویر یا پندار محض (Doxa) و یا به دانش (Episteme) راه می‌بردند. پس هنـر با محسوس بودن خاص خود امکانی برای پی بردن به ایده زیبایی فراهم نمی‌آورد این امر فقط از راه عقل به نتیجه می‌رسـد. فاصلهٔ عمیق میان عالم محسوس و نامحسوس حاصل این دیدگاه افلاطونی است. به اعتقـاد او هنـر زاده‌ی تقلیـد اسـت و بـا تقلید نمی‌توان به ایده زیبایی رسید. در فلسفه او هنر به انسان ربطی نداشت هنرِ انسانی تقلید حرف شناخته و تحقیـر شـده بود. هر چند سقراط نیز برای هنر ارزش خاصی قائل نبود ولی زیبایی را در افلاک و دنیای غیرانسانی نمی‌جست، بلکه آنـرا از خودِ انسان و در وجود او می‌دانست. وی انسان را به لحاظ اخلاقی مورد توجه قرار می‌داد. در جامعـه یونـان باسـتان، ارتبـاط زیبایی و اخلاق در مفهوم «وحدت زیبایی و نیکی» [کالوکاگاتیا]، مد نظر بود. سقراط زیبایی را به هر چیزی که سودمند بود اطلاق می‌کرد. هنر زیبا همواره با فعالیت عملی انسان پدید آمده است.

افلاطون در جایی هنر را تحقیر می‌کرد و در جایی (در جمهوری) خواهان هنر سودمند برای تربیت شهروند با تقوا بـود که همانا زمینه‌ی بازگشت به انسان محسوب می‌شد. در تفکر باستان تصور بر آن بود که هنر به تنهایی برای تربیت اخلاقی و همه جانبه‌ی فرد بدون در نظر گرفتن زمینه ها و رشته های دیگـر کـافی بـود. ارسـطو در ایـن خـصوص در کتـاب پوئیتکـا «بوطیقا» به بررسی آن و بیشتر از همه به تقلید (محاکات) [میمسیس] در رتوریکا «رطوریقا» و سیاست به مطالعه مـسائل هنر پرداخته است.

باید توجه داشت که در یونان باستان تصور بر آن بود که در هنر، واقعیت باید چنان مانندسازی شـود کـه تـوهم خـود، واقعیت را برانگیزد. آنان استعاره را انحراف از واقعیت و در نتیجه غیراخلاقی معرفی می‌کردند.

زیبایی (Kalon)، موضوع یکی از مکالمه های دوره نخست افلاطون در (مکالمه هیپیاس بـزرگ) اسـت. - مکالمـه ایـی بین سقراط و هیپیاس سوفیست-

می‌دانیم که افلاطون و سقراط بر این باور بودند که سودمندی و نیکی، زادهٔ زیبایی هستند ولی خود زیبایی نیستند. هومر در کتاب نهم اودیسه زیبایی و هنررا با لذت مرتبط می‌داند که این نظر رایج در میان یونان باستان بود. افلاطون در کتاب **قوانین** آورده است که معیار ارزش هنر لذت نیست بلکه درستی است. در کتاب دیگرش مهمانی یا **ضیافت** به طور مدام عشق، زیبایی و « درست انجام دادن کار» را مترادف یکدیگر می‌خواند. به نظر او هنر و آفرینش زیبایی محصول از خود به در شدگی هنرمند در لحظه آفرینش هنری هستند، یعنی الهام، که در مکالمهٔ **ایوان** بیان شده است. الهاماتی که در باور مردمان پیشین یونان نیز موجود بود، که از طریق الاهگانی به نام **موز** یا «دختران خاطره» ارسال می‌شدند. در آثار افلاطون نظام زیباشناسانه مطرح نیست بلکه کارکردگرا بودن اثر مدنظر است و به همین دلیل آثار هنری بر اساس سود و زیانشان داوری می‌شدند. هنر برای تزکیه انسان مفید بود (به طوری‌که حتی قهرمان در نمایش ها هم می‌بایست بی عیب و شریف باشد). در مکالمه **فیلبس**، «فن موسیقی» فنی دانسته شده که در آن غلبه با موارد نامعین و نامعلوم است که فقط اندکی از موارد معین و معلوم با آن آمیخته می‌شود. اساس کار آنها مهارتی است که نتیجه‌ی تمرین است. وی دو مقام دوری، فویژی را در موسیقی یونان جایز می‌دانست ولی در فنونی که در آنها از ابزار اندازه‌گیری استفاده می‌شود دقت نقش اساسی را ایفا می‌کرد، مانند معماری و کشتی سازی او در مکالمه **سوفیست** برتری معماری از دیدگاه کارکردی را اثبات کرده است که نتیجه ای واقعی به بار می‌آورد- مثلاً خانه ای که ساخته می‌شود.- قابل توجه است که این مهم در معماری مدرن اصل واقع شد.- وی اثر هنری را نتیجه‌ی کار و تولید انسان می‌دانست و برای جنبه اجتماعی اثر هنری اهمیت زیادی قایل بود. همانطورکه می‌دانیم او بنیانگذار نظریه ایده و مُثل است که به بحث در مورد هنر و زیبایی پرداخته و جایگاه زیبایی (kallon) را، در عالم ایده و مثل می‌دانست.

به اعتقاد او هنر دو مرحله از ایده پایین‌تر است و هنرمند جایی در آرمانشهر (UTOPLA) ندارد. وی تقلید را بر دو نوع می‌دانست. یکی شمایلی، که اندازه واقعی یا به اصطلاح یک به یک از چیزی بود و دیگری اندازه‌ی کوچکتر یا بزرگتر از مدل واقعی یک چیز. رهیافت او از تقلید «گرته برداری از حقیقت» بود.

از آثار مهم او (رساله ده‌گانه) می‌باشد. گفتنی است که او اصطلاح (Morphe) را صورت یا وجه تمایز هر شی یا پدیده می‌دانست که آن را از سایر پدیده ها جدا می‌کند.

ارسطو

ارسطو (۳۵۸-۳۲۲ ق م) یکی از نمونه های نخستین در باب زیبایی شناسیِ دریافت را ارایه کرد. مفهوم پالایش یا **کاتارسیس** (catharsis) که به معنی دگرگونی روحی انسان در نتیجه تأثیرپذیری او از هنر است را در کتاب خود **پوئتیکا** آورده است. مقصود او از پالایش تأثیر ویژه روحی و اخلاقی اثر در مخاطب است. وی بر خلاف افلاطون روح را مستعد آشوب می‌دانست. او محتاطانه تر از افلاطون میان لذتِ ناشی از زیبایی شناسانه و لذت شهوانی و جسمانی تفاوت قایل شد. لذتهای هنری که بوسیله افلاطون محکوم شده بودند، توسط ارسطو حقانیت یافتند. او همچنین میان لذت های سرشتی (فیزیکی و مادی) فراهم شده بوسیله شکل ها و رنگ ها و لذت فراتر و برتر که توسط نقاشان که با شناختن اشیاء تقلید شده، تفاوت قایل شده است. وی تقلید هنری را از سه منظر دنبال می‌کرد که شامل موارد زیر می‌باشد:

الف) بر حسب وسایل

ب) بر اساس موضوع

ج) بر اساس شیوه

علاوه بر این او به بررسی هنر کاربردی مانند **معماری** نیز پرداخته است. توجه خاص او به تأثیر هنر بر بیننده و شنونده بود. (خلاصه در نمایش) و به ویژه به موسیقی که شنونده را مست کرده و به خلسه می‌کشاند و موجب تزکیه او می‌شود. در واقع هنر با درمان، تشریک مساعی می‌کند. در آموزهٔ ارسطو درباره زیبایی ازعبارت فیثاغورثی «وحدت در کثرت» استفاده شده است. وی با رویکردی تراژیک، هنر نمایش را معرفی کرده است. از نظر او همسریان در تراژدی نماینده‌ی شاهدان آرمانی هستند. وی به طرح وحدتهای سه گانه **زمان، مکان و موضوع** مربوط به هنر نمایش پرداخت. قابل ذکر است که در تراژدی واژه های **پیریپتیا** (peripeteia) به معنی تحول و دگرگونی، **آناگنوریسیس** (Anagnorisis) به معنی شناسایی و حرکت از جهل به آگاهی و **اسپکتاکل** (spectacle) به معنی صحنه و چشم انداز که در مکان فرعی قرار دارد، **موئیرا** (moira) به معنی تقدیر و سرنوشت بکار برده می‌شدند. مباحث مربوط به هنرنمایش بویژه تراژدی در کتاب **پوئیتکا**، گفته شده است و در بخشی از کتاب چهارم اخلاق نیکوماخوس به بیان : «هنر یک نیروی خاص تولیدی است که فرد راهبرد آن است» پرداخته و هنر را در جایگاه ساختن جای داده است نه انجام دادن. وی از آگاتون نقل می‌کند که «هنر عاشق بخت است و بخت عاشق هنر». ارسطو هنر را نتیجه خرد انسان می‌داند و بر خلاف افلاطون که شاعران را دروغگو خطاب می‌کند هنر را سازنده جهان راستین می‌داند که در آن نیازی به تقلید کامل و ناب از طبیعت و جهان موجود نیست. (بابک احمدی، ۱۳۸۳، ص ۶۹ – ۶۳)

وی همچنین ابداع هنری را در نتیجه رغبت شدید هنرمند به ایجاد اشکال و صور، شوق وافر به بیان و تعبیر احساسات می‌دانست. از دید او شاعر بیرون از دایره رخدادهاست و مورخ در آنها محصور است شاعر از رویدادهایی که ممکن است به وقوع بپیوندد سخن می‌گوید و مورخ از آنهایی که به وقوع پیوسته است. و در آخر اینکه به نظر او **تقلید** نوعی منش اخلاقی است، تقلید ممکن است فراتر از حقیقت و همسان با حقیقت یا فروتر از حقیقت باشد. تقلید از پدیده های دیداری در حوزه هنرنمایشی و نگارگری صورت می‌گیرد. تقلید در هنر موسیقی از عوامل درونی و در نگارگری از عوامل بیرونی نشأت می‌گیرد. هنر نمایش از دید او شامل دو نوع است: درام(تراژدی و کمدی) و حماسه است. از نظر او هدف موسیقی آموزش، پالایش و لذت عقلی است و تراژدی، محاکاتی است از کاری خطیر و کرداری جدی و کامل که دارای اندازه معین و آراسته به زبان می‌باشد. مهمترین رکن آن طرح یا پی رنگ (plot) است که آن را به ترتیب و توالی رویدادهای داستان معنی کرده اند. از دیگر آثار مهم او می‌توان به **فن خطابه** (Rhetoric) - **مابعد الطبیعه** (Poctic) و **فن شعر** (کتاب نقد هنری) اشاره کرد.

فلوطین

نظریه پردازان **فلوطین** (۲۷۰-۲۰۳ ق م) را بنیانگذار نظریه نو افلاطونی معرفی کرده‌اند. این تفکر تا زمان بسته شدن آکادمی‌در سال ۵۲۹ میلادی به دست ژوستینیانوس (امپراطور بیزانس) استمرار داشت. در این دیدگاه در ماورای عالم شهادت، واحد یا احد قرار دارد که در مرتبه نخست جای دارد و ورای هر تصور و دانش است. از نوشته های او می‌توان به **رساله های نه گانه** و رساله هایی موسوم به **انئادها** (Enneads) اشاره کرد. اقالیم سه گانه را که شامل ۱) **احد** یا **واحد** (Tohen) که سرچشمه زیبایی و خیر است. ۲)**عقل** و ۳)**نفس** (Soul) که سرچشمه عالم محسوسات است و از نظریات او به شمار می‌آید. وی در مورد (زیبایی اینگونه می‌گوید:زیبایی با روح آدمی وابسته است، این زشتی است که به روح او افزوده می‌شود، زیبایی همان زندگی راستین است. زیبایی بر دو نوع **محسوس** و **حقیقی**، **معنوی** و **روحانی** است. (ژاک، لوک شالومه، ۱۳۸۱، ص ۳۰)

از نظر او زیبایی در اشیاء مرئی و محسوس و همچنین در رفتار و منش خوب قرار دارد. وی با ذکر اینکه کیفیات حسی بسیط (رنگها و الحان) و دیگر کیفیات اخلاقی می‌توانند زیبا باشند ولو اینکه متقارن نباشند به رد رواقیان در این خصوص پرداخت. بنابراین در نظر او تقارن برای زیبایی نه شرط لازم است و نه شرط کافی. در نظام فلسفی فلوطین، عشق همواره عشق به زیبایی و عشق به مطلق و عشق به زیبایی مطلق است که از مظاهر موجود در طبیعت یا از اثر هنرمند صنعتگر بر می‌خیزد. او بر خلاف افلاطون معتقد است که هنرها را نباید به این جهت که از تقلیدات هستند، نادیده گرفت چرا که هم

نقاشی و هم شیء نقاشی شده، همه تقلیدات صورت مثالی اند. زیبایی میزان بهره ای است کـه طبیعـت و جهـان معقـول از زیبایی احد گرفته است، همه سودمندی و نیکی و والایی و ابهام در اشیاء و پدیده هاست، تناسب و تعادل، توازن و هماهنگی بین اجزاء یک شی مرکب هستند. از دید او طبیعت، خود، توان و ظرفیت آفرینشگری و خلاقیت را ندارد زیرا که فاقد امکـان دریافت آرمانی است، بنابراین هنر چیزی است که طبیعت از آن تسری می‌کند. به عقیده فلوطین، هنرمند مادهٔ (زشت)را بـه شکلی بنیادی (زیبا) تبدیل می‌کند و اجسام تقدیراً زیبا نمی‌شوند مگر آنکه به خرد و در خرد که خداوند است، وابسته شوند.

خلاصه فصل

افلاطون و **ارسطو** از نمایندگان زیبایی شناسی محتوایی و معتقد بر تفسیر مبتنی بر شکل و محتوا بوده‌اند که نقاشی را محاکات و واقع نمایی می‌دانستند **افلاطون** از بنیانگذاران نظریه ایده و مُثل و مبحث هنر و زیبایی می‌باشد، او دارای نوشته‌هایی از قبیل **جمهوری، ضیافت** یا مهمانی با مبحث عشق و زیبایی، مکالمه **هپیاس بزرگ** با مبحث زیبایی، مکالمهٔ **ایوان** با مبحث الهام برای آفرینش هنری، مکالمهٔ **فیلبس** با مبحث فن موسیقی، مکالمهٔ **سوفیست** با مبحث برتری معماری و **رسالات ده‌گانه** می‌باشد. از دید او زیبایی، تجرید و اثر هنری خیال و تصور است. هنر زاده تقلید است پس نمی‌توان به ایدهٔ زیبایی دست پیدا کرد. **ارسطو**، زیبایی شناسی دریافت را ارائه کرد. طرح **کاتارسیس** یا دگرگونیهای روحی انسان و مباحث مربوط به نمایش (تراژدی و کمدی) را در کتاب خود **پوئیتکا** آورده است. نمایش و بویژه موسیقی و تأثیر آنها برمخاطب را بررسی نمود. از نظر او هنر، ساختن است و نتیجهٔ خرد انسان و تقلید نوعی منش است. **فلوطین** که از بنیانگذاران نظریه نوافلاطونی بود، سه اقلیم **واحد، عقل** و **نفس** را طرح نمود. از نوشته های مهم او **رساله های نه‌گانه** و **انئادها** می‌باشند.

نکات کلیدی

دوران باستان

افلاطون و ارسطو- فلوطین- شکل و محتوا- محاکات و تقلید هنر- کاتارسیس (پالایش) هنرنمایش (تراژدی- کمدی) موسیقی- معماری- خرد انسان- زیبایی محسوس و حقیقی

تست‌های آخر فصل

۱- فیلسوفی که «هنر را نتیجهٔ خردورزی انسان برای رسیدن به هدفی مشخص می‌داند» چه نام دارد؟

۱) ارسطو ۲) افلاطون ۳) فلوطین ۴) سقراط

۲- نظریه «زیبایی میزان بهره‌ای است که طبیعت و جهان معقول از زیبایی احد گرفته است» از کدام فیلسوف است؟

۱) افلاطون ۲) ارسطو ۳) فلوطین ۴) سقراط

---

۳) معماری مدرن با اندیشه کدام فیلسوف مطابقت دارد؟ (آزمون ۱۳۸۸ سراسری)

۱) ژاک دریدا ۲) دکارت ۳) افلاطون ۴) کانت

۴- موضوع کلی کتاب ضیافت افلاطون کدام است؟ (آزمون سراسری ۱۳۸۷)

۱) اخلاق ۲) عقل ۳) عشق ۴) هنر

۵- اصل مهم معماری مدرن کدام است؟ (آزمون سراسری ۱۳۸۳)

۱) کارایی و سودمندی هر جزء
۲) ساده بودن سطوح و حجم ها
۳) حذف دیوارها در حد امکان
۴) اهمیت دادن به نور

۶- هنر یونان اصالتاً هنری است:

۱) در خدمت سلاطین- آئین
۲) در خدمت اشرافیت- انتزاعی
۳) طبیعت گرا- اساطیری
۴)هنری مردمی- طبیعت گرا

۷- در فرهنگ اساطیری یونان باستان کدام شخصیت اسطوره‌ای، سمبل «عشق و شادی و باروری و نوزایی» است؟

۱) آپولو ۲) دیانیزوس ۳) زئوس ۴) پزینوس

۸- از نظر کدام هنرمند معماری هنر واقعی است و چرا؟

۱) افلاطون – کاربردی و سودمند است.
۲) ارسطو- کاربردی و سودمند است.
۳) فلوطین- کاربردی و دارای نظام هندسی است
۴)سقراط- زیرا کاربردی و دارای نظام هندسی است.

۹- بنیانگذار نظریه ایده کدام فیلسوف بوده و مبحث آن چیست؟

۱) ارسطو- زیبایی و هنر ۲) افلاطون- زیبایی و هنر ۳) افلاطون- هنر نمایش ۴) ارسطو- هنر نمایش

۱۰- مبحث (کاتارسیس یا پالایش) از نظریات کدام فیلسوف و در رابطه با چیست؟

۱) ارسطو- تقلید یا محاکات در هنر
۲) ارسطو- دگرگونیهای روح در اثر تأثیرپذیری از هنر
۳) افلاطون- تقلید یا محاکات در هنر
۴) افلاطون – دگرگونیهای روح در اثر تأثیرپذیری از هنر

پاسخ تست‌های آخر فصل

۱- گزینه «۱»

۲- گزینه «۳»

۳- گزینه «۳»

۴- گزینه «۳»

۵- گزینه «۱»

۶- گزینه «۳»

۷- گزینه «۲»

۸- گزینه «۱»

۹- گزینه «۲»

۱۰- گزینه «۲»